

# تحولات مفهوم عدالت در جامعه هند و نمود فضایی آن

محمد صالح شکوهی بیدهنی

پژوهشگر دکتری شهرسازی

Saleh.shokouho@gmail.com

## چکیده

درک و فهم هر جامعه از مفهوم عدالت در گذر زمان تغییراتی را تجربه می‌کند و این امر احتمالاً به تفاوت‌هایی در نظام‌های اجتماعی و در نتیجه، در نظام‌های فضایی و کالبدی شهرها می‌انجامد. مطالعه حاضر به تعبیر فلسفی و اجتماعی عدالت در جامعه هند توجه دارد و به تغییراتی که در تعریف عدالت در ادوار مختلف در این جامعه پدید آمده می‌پردازد و نهایتاً به این نکته اشاره می‌کند که هر درک از عدالت چگونه در شکل‌گیری و توسعه سکونتگاه‌های انسانی در این جامعه منجر می‌شود. بدین منظور، این مطالعه با استناد پنج نمونه موردی (شهرهای جیپور، ادیپور، شاندیگار، گاندی‌نگر و احمدآباد)، به بررسی ادوار مختلف تحول اندیشه عدالت در کشور هند و نمودهای فضایی - کالبدی آن در سکونتگاه‌های جمعی می‌پردازد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که تعریف عدالت در جامعه هندی در سه مرحله از عدالت «به معنای نابرابری کاستی» در دوران پیش از مدرن تا پایان دوران استعمار، به عدالت «به معنای تأمین حداقل‌ها برای توده‌ها» در دوران مدرن و سپس به عدالت «به معنای افزایش قابلیت‌ها» در دوران پسامدرن تغییر کرده است. در تبدیل این اندیشه‌ها به کالبد شهر نیز می‌توان به گونه‌ای این سه دوره را در تحلیل عوامل شکل دهنده به شهر نیز برشمرد. در دوره اول، حاکمان به شهرها شکل می‌دادند. در دوره دوم، حاکمان در کنار تکنوکرات‌ها شهرها را طراحی می‌کردند و در دوره سوم نیز، حاکمان، تکنوکرات‌ها و مردم در قالبی مشارکتی به اسکان مجدد زاغه‌نشینان می‌پردازند.

## واژگان کلیدی

عدالت، هند، شهر، عدالت فضایی.

می‌شود. در این مطالعه، اولاً با توجه به محدودیت‌های نظرسنجی برای نگارنده به عنوان یک بازدیدکننده خارجی و ثانياً به دلیل تأکید بر بررسی سیر تحول تاریخی اندیشه‌های هندوان که در آن امکان نظرسنجی در گذشته وجود ندارد بر روی خوانش نموده‌های فضایی برابری و نابرابری در شهرهای هندی تمرکز شد. بدین منظور تلاش شده است که با بررسی پنج نمونه موردی، تصویری از درک جامعه هند از عدالت در دوره‌های مختلف ارائه شود. روش انجام این پژوهش، روش مطالعه موردی است. بدین ترتیب که ضمن بررسی اندیشه‌های حاکم بر هر دوره، به تشریح نمونه‌های شهرهایی متأثر از این اندیشه‌ها پرداخته خواهد شد.

مفهوم عدالت، از مفاهیم نسبتاً پیچیده فلسفی و اجتماعی است که در هر دستگاه سیاسی تعریف ویژه‌ای می‌گیرد. بر این اساس، سؤال تحقیق عبارت است از این که مفهوم و تعریف عدالت در اندیشه‌های سیاسی، فلسفی و اجتماعی در ادوار مختلف تاریخ تمدن هند (به ویژه در دوران معاصر) چه تفاوت‌ها و تغییراتی را تجربه کرده است و این تغییرات به چه نموده‌های فضایی در شهرها منجر شده‌اند؟ بررسی این سؤال (که در حقیقت شامل دو سؤال است) نیازمند داشتن تحلیلی از درک شهروندان هندی است. در تحقیقات مشابه معمولاً برای شناسایی عوامل مؤثر در ادراک شهروندان یک جامعه از روش‌هایی نظیر نظرسنجی و سنجش افکار استفاده

عبارت است از «عدالت به مثابه رعایت حق شهر» (لوفور، ۱۳۸۹). تعریف ششم که فی‌المثل در اندیشه‌های «جان راولز» مورد توجه قرار گرفته «عدالت به مثابه حمایت از گروه‌های محروم» است (Rawls, 1971؛ راولز، ۱۳۷۶؛ راولز، ۱۳۸۵؛ فیتزپتریک، ۱۳۸۳؛ واعظی، ۱۳۸۸). هفتمین تعریف که مورد نظر لیبرالیست‌هاست عبارت است از «عدالت به مثابه حداکثرسازی فایده» که کمتر به شیوه توزیع توجه دارد (تلیس، ۱۳۸۵). و بالاخره هشتمین تعریف که مورد نظر اندیشمندان متأخر نظیر آمارتیا سن است عبارت است از «عدالت به مثابه برابری قابلیت‌ها و آزادی انتخاب» (سن، ۱۳۹۰). بسط این مفاهیم در حوزه ادبیات جغرافیا و شهرسازی نیز که از حدود ۴۰ سال پیش آغاز شده، در سال‌های اخیر نیز به رهیافت‌های نوینی انجامیده است. «دیوید هاروی»، جغرافی‌دان مارکسیست را شاید بتوان از نخستین کسانی دانست که در سال ۱۹۷۳ در کتاب «عدالت اجتماعی و شهر» به توزیع فضایی «درآمد» (در تعریفی کلی «هرچیزی که قابل توزیع است» را درآمد می‌نامد) پرداخته و سعی در تعریف ویژگی‌های یک توزیع عادلانه در مقایسه سرزمینی و منطقه‌ای دارد (هاروی، ۱۳۷۶: ۹۸ و ۹۹). ۱۰ سال پس از هاروی، «جی. اچ. پیری» تلاش کرد تا امکان شکل‌دهی به مفهومی از عدالت فضایی براساس مفاهیم عدالت اجتماعی و عدالت اجتماعی منطقه‌ای<sup>۲</sup> را ارائه نماید (Pirie, 1983). بعدها «هوارد ژیلت»، رئیس سابق جامعه تاریخ برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای آمریکا، در کتاب «میان زیبایی و عدالت: نژاد، برنامه‌ریزی و شکست سیاست شهری در واشنگتن دی‌سی» (Gillette, 1995)،

**فرضیه:** به نظر می‌رسد مفهوم عدالت در سه دوره پیش از مدرن، مدرن و پسامدرن با سه تعریف متفاوت معنا شده که هر یک به اشکال مختلفی از توسعه شهر منجر شده‌اند.

## تلاش برای تعریف مفهوم عدالت و فضایی عدالت

مفهوم عدالت اجتماعی از مفاهیم پیچیده حوزه فلسفه و علوم انسانی است. این مفهوم در مکاتب مختلف اجتماعی، سیاسی و فلسفی تعبیر متفاوتی یافته است؛ که گاه حتی در تضاد با یکدیگر هستند (طیبیان، شکوهی و ارباب، ۱۳۸۹: ۱۱۲). بررسی مبانی نظری و تئوری‌های مختلف در سطح جهانی نشان می‌دهد که حداقل هشت تعریف از عدالت در طول تاریخ مورد نظر اندیشمندان بوده است. نخستین تعریف که بیشتر مد نظر کسانی نظیر افلاطون و ارسطو بوده عبارت است از «عدالت به مثابه برابری گروه‌های برابر» که در توجیه نظام کاستی و طبقاتی به کار گرفته می‌شده است (لشکری، ۱۳۸۸؛ بختیاری، ۱۳۸۰ و میراحمدی، ۱۳۸۵). تعریف دوم که ریشه در اندیشه‌های مارکسیستی دارد عبارت است از «عدالت به مثابه حذف طبقات و برابری یکسان» (Burkett, 2006). سومین تعریف که بیشتر مورد نظر مدرنیست‌ها بوده و به استانداردی‌زاسیون انجامیده عبارت از «عدالت به مثابه تأمین حداقل‌ها برای همه» است (بحرینی، ۱۳۷۸). تعریف چهارم که کسانی نظیر «مونتسکیو» و «جان لاک» به آن پرداخته‌اند «عدالت به مثابه اجرای یکسان قانون» است (لاک، ۱۳۷۷). تعریف پنجم که به ویژه در آرای «هانری لوفور» طرح می‌شود

شهروندان معمولی و نخبگان شهر تهران در خصوص عدالت اجتماعی را تبیین می‌کند (صدیق سروسستانی و دغاقله، ۱۳۸۷) و دیگری به درک ایرانیان از عدالت می‌پردازد (یعقوبی، ۱۳۸۸). مطالعه حاضر به بررسی ادراک جامعه هند در ادوار گذشته و امروز در خصوص مفهوم عدالت اجتماعی می‌پردازد. پیچیدگی این مطالعه در مقایسه با مطالعات پیشین در بررسی تاریخی آن است. بنابراین، روش تحقیق نمی‌تواند مبتنی بر مطالعات پیمایشی و با استفاده از روش‌های رایج پرسش‌نامه‌ای باشد. با توجه به این امر از یک سو به بررسی منابع و متون موجود و مورد توجه در جامعه هند پرداخته شده و از سوی دیگر به بررسی شکل شهرهای هند به عنوان نمودی از درک عمومی از عدالت توجه شده است. استخوان‌بندی شهرهای هند و سیر تحول آن‌ها می‌تواند نشان دهد که تلقی نظام سیاسی و اجتماعی از عدالت تا چه حد برابری طلبانه بوده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد می‌توان تلقی فلسفی، سیاسی، اجتماعی و فضایی از عدالت در هند را در سه دوره بررسی نمود. دوران اول، دوره‌ای است که جامعه هند بیشتر متأثر از اندیشه‌های آیینی (و به ویژه آیین هندو) است. دومین دوره، دوران مدرن و پس از استقلال هند است که هند جدید متأثر از فلسفه سیاسی گاندی شکل می‌گیرد. سومین دوره نیز، دوران کنونی هند است که می‌توان آن را هند پس از هزاره<sup>۳</sup> نامید. در ادامه به تفکیک به هریک از این سه دوره پرداخته خواهد شد.

### دوره اول: پیشامدرن

مطالعات مختلفی در خصوص نظام طبقاتی در گذشته هند شده است. به عنوان مثال «اکتا سینگ» تاریخچه‌ای از نظام کاستی هند ارائه می‌کند و تحولات آن را پس از اصلاحات اجتماعی عصر گاندی تشریح می‌کند. وی ادعا می‌کند نظام طبقاتی در حقیقت نه از اعتقادات دینی، بلکه از عرف اجتماعی هند ناشی می‌شود (11 : Singh, 2009). دو کتاب تقریباً هم‌نام، یکی توسط «سانگیتا راتو» و دیگری توسط «راجندرا پاندی» تحت عنوان «نظام کاستی در هند: اسطوره و واقعیت» نوشته شده است (Rao, 1989; Pandey, 1986). اثر دیگر، مربوط به «رامش چاندرا» و «سنگ میترا» تحت عنوان «نظام کاستی در هند» نوشته شده است (Chandra & Mittra, 2003). «چاندرا» همچنین در کتاب دیگری به نام «هویت و تکوین نظام کاستی در هند» به بررسی منشأ و نحوه رشد اندیشه کاستی در هند می‌پردازد. او در این کتاب ادعا می‌کند که نظام کاستی در کشور هند به اندازه خود تمدن هند قدمت دارد. وی همچنین به اصلاحات کسانی نظیر بودا و گاندی در این حوزه اشاره می‌نماید (Chandra, 2005: 7). «هایاوادانا راتو» نیز در کتابی به نام

«هیدر کمپل»، استاد دپارتمان برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای دانشگاه شفیلد انگلستان، در مقاله‌ای تحت عنوان «به سوی عدالت در برنامه‌ریزی: یک ارزیابی تازه» (Campbell & Marshall, 2006)، «پیتر مارکوس»، استاد برنامه‌ریزی شهری دانشگاه کلمبیا در نیویورک، در کتاب «در جستجوی شهر عادلانه، مباحثی درباره نظریه و عمل برنامه‌ریزی» (Marcuse, 2009)، «ادوارد سوچا» در کتاب «جستجوی عدالت فضایی» (Soja, 2010) و «سوزان فینشتاین»، استاد برنامه‌ریزی و طراحی شهری دانشگاه هاروارد، در کتابی تحت عنوان «شهر عادلانه» (Fainstain, 2010) به تلاش برای تعریف مفهوم عدالت فضایی پرداختند. به عنوان مثال، «سوچا» چنین می‌نویسد نابرابری‌های توزیعی یکی از پایه‌ای‌ترین و واضح‌ترین بیان‌های نابرابری فضایی است و در ادامه ضمن اشاره به نیازهای حیات شهری، آموزش، حمل و نقل عمومی، پلیس و جلوگیری از جرم، تا نیازهای شخصی‌تر نظیر غذا، مسکن و اشتغال تلاش می‌کند با بهره‌گیری از تعریف لوفور از فضا، عدالت فضایی را تبیین نماید (Soja, 2010: 47). با وجود این چند مطالعه، به نظر می‌رسد هنوز مسیر زیادی برای دستیابی به تعریفی همگان‌پذیر برای عدالت فضایی (اگر اساساً چنین تعریفی محتمل باشد) باقی مانده است. به ویژه همه این اندیشه‌ها به تلقی «غربی» از عدالت و عدالت فضایی معطوف است. بدین جهت، لازم است تا به تعابیر سایر ملل از عدالت و نمودهای فضایی آن توجه بیشتری شود.

### عدالت در اندیشه‌های جامعه هند

درک هر جامعه از مفهوم عدالت، متناسب با مبانی ایدئولوژیک و اندیشه‌های سیاسی و اقتصادی جامعه می‌تواند تفاوت یابد. تاکنون مطالعات مختلفی روی ادراک شهروندان جوامع مختلف در خصوص عدالت انجام شده است. به عنوان مثال، «مارشال و سویت»، در سال ۱۹۹۳ به این سؤال پرداخته‌اند که آیا جامعه انگلستان حقیقتاً جامعه شایسته‌سالاری است؟ در پیمایش ملی علوم اجتماعی استرالیا در سال ۱۹۸۴ و پیمایش ارزش‌های استرالیایی در سال ۱۹۸۳ به درک مردم استرالیا از عدالت توزیعی و ارتباط میان درآمد واقعی، درآمد ذهنی و درآمد مشروع پرداخته شده است. در امریکا، تحقیقات «رین واتر»، در سال ۱۹۷۴ نشان داد که درک عمومی آمریکایی‌ها از درآمدهای مشروع مشابه رتبه‌بندی منزلتی است. در فرانسه مطالعات مختلفی نظیر بررسی‌های لپیکو و سیگله در سال ۱۹۹۳ و «بگ و بستونی» در سال ۲۰۰۳ به تفاوت دو مفهوم عادلانه و ناعادلانه از دید شهروندان پرداخته‌اند (یعقوبی، ۱۳۸۸: ۶۷-۶۳). در ایران نیز، دو مطالعه عمده در این خصوص وجود دارد که یکی از آن‌ها در تفاوت ادراک

به منظور مطالعه شکل کالبدی این شهرها، به بررسی دو نمونه «جیپور» و «ادیپور» پرداخته می‌شود.

#### • سازمان فضایی در دو شهر جیپور و ادیپور

در شهرهای هندو، نمادگرایی مذهبی اهمیت زیادی می‌یابد. در این دوره، در تمامی این طرح‌ها خیابان‌های عریضی از شمال به جنوب و از شرق به غرب در مرکز شهر و در کنار معبد تلاقی می‌کنند. این طرح‌ها همچنین طرح تقدیس از طریق رابطه طبقاتی را نشان می‌دهد. چنانکه برهمنیان در مرکز، طبقات پایین‌تر اجتماعی در فاصله بیشتر از مرکز و بالاخره نجس‌ها در اطراف شهر مستقر می‌شدند. در این طرح‌ها گاه گروه‌های مختلف بدین شکل مکان‌گزینی می‌شدند: برهمنیان: سر- کشاتریاس: قلب- وتشیاس: بازوها - سودراس: پاها<sup>۱۳</sup> (راپاپورت، ۱۳۸۷: ۴۳۰ و ۴۳۱). این نمادگرایی و مکان‌گزینی طبقاتی در دو تصویر ۲ و ۳ نشان داده شده است.

این الگوی فضایی، که نشان‌دهنده شیوه استقرار تفکیک‌شده کاست‌ها در شهر است، در یکی از شهرهای کوچک اطراف جیپور قابل مشاهده است. نقشه این شهر (تصویر ۴) نشان می‌دهد چگونه معابر شهری و مورفولوژی بافت مبتنی بر شبکه شطرنجی شکل گرفته‌اند.

این شبکه مربع‌ها و مستطیل‌ها، که به طور تاریخی برخی از شهرهای هند را تحت تأثیر قرار داده است، حتی در نگاره‌های هندی نیز مشاهده می‌شود. تصویر ۵ الگویی از محدوده‌های متحدالمرکز را نشان می‌دهد که در یکی از نگاره‌های هندی ترسیم شده است.

در جهت بررسی نمود فضایی این تعریف از عدالت، این مقاله به بررسی دو نمونه موردی در شهرهای هند می‌پردازد. نمونه نخست شهر جیپور است. جیپور مرکز ایالت راجستان و از شهرهای تاریخی کشور هندوستان است. این شهر دارای قدمتی طولانی است. برخی از اقوال احداث این شهر را مربوط به سال ۱۷۲۷ و اقدامات مهاراجه سوای جای سینگ دوم می‌دانند، با این حال، «جیمز موریس» شکل‌گیری این شهر را به تاریخی بسیار قدیمی‌تر از این زمان مربوط می‌کند (موریس، ۱۳۸۷: ۴۰۴).

سازمان فضایی امروزی شهر جیپور همچنان براساس بخش‌بندی مبتنی بر تقسیمات اجتماعی است. بررسی نقشه‌های تاریخی (تصویر ۶) و نقشه کنونی شهر (تصویر ۷) و همچنین مشاهدات میدانی نشان می‌دهد ساختار شهر جیپور از شبکه شطرنجی و چندلایه تشکیل شده که به صورت برنامه‌ریزی شده‌ای به جدایی‌گزینی اقشار و طبقات اجتماعی می‌انجامد. شهر دیگری که به طور تاریخی این نظام سلسله مراتبی را در سازمان فضایی خود حفظ کرده، شهر ادیپور است.

«نظام کاستی هندی: یک مطالعه» با بررسی آرای مختلف درباره ریشه اندیشه کاستی به این واقعیت اشاره می‌کند که هیچ قطعیت مورد وفاقی وجود ندارد که نشان دهد کدام یک از عوامل نژادی، اجتماعی، اقتصادی و یا دینی موجب پیدایش نظام کاستی در هند شده است (Rao, 2003). «پروثی» در اثر خود به نام «نظام کاستی هندی» که در سال ۲۰۰۴ منتشر شد، تئوری‌های مرتبط با نحوه پیدایش نظام کاستی در هند را به سه دسته «نظریه‌های دینی- اسطوره‌ای»، «نظریه‌های زیست‌شناختی» و «نظریه‌های اجتماعی- تاریخی» تقسیم می‌کند. وی اشاره می‌کند براساس تئوری‌های دینی اسطوره‌ای، مبتنی بر ریگ‌ودا<sup>۱۴</sup>، کتاب باستانی هندوان، تفاوت هریک از طبقات (که به اصطلاح وارنا خوانده می‌شوند) در زمان پیدایش آن‌ها از بخش‌های مختلف انسان اولیه (پوروش<sup>۱۵</sup>) (و یا در روایتی از اعضای مختلف بدن برهمای<sup>۱۶</sup> خالق) ایجاد شده است. بر این اساس، شهروندان به چهار گروه برهمن‌ها<sup>۱۷</sup> (که از سر خلق شده‌اند)، چتری‌ها<sup>۱۸</sup> (که از دست‌ها خلق شده‌اند)، ویشیایا<sup>۱۹</sup> (که از ران پا خلق شده‌اند) و شودراها<sup>۲۰</sup> (نجس‌ها که از پا خلق شده‌اند) تقسیم می‌شوند (Pruthi, 2004:1). «چاکراورتی» نیز در کتابی به نام «سیستم کاستی در هند» به بررسی ریشه‌ها و تحولات نظام کاستی لمس‌ناپذیری<sup>۲۱</sup> در جامعه هند از عصر آریایی‌ها تا عصر کنونی می‌پردازد (Chakravorty, 1970). همچنین «ناروناکار» نیز کتاب خود را به موضوع «لمس‌ناپذیری و نظام طبقاتی در هند» اختصاص می‌دهد (Naronakar, 2003).

در هر حال، صرف نظر از دیدگاه‌هایی که در خصوص منشأ اندیشه کاستی در هند وجود دارد؛ آنچه مورد وفاق است این است که در این دوره (دوره پیش از مدرن)، نظام کاستی، شهروندان را به گروه‌های مختلفی دسته‌بندی می‌کرد. این گروه‌ها در بهره‌مندی از حقوق شهری کاملاً متفاوت بودند که به نحوی که حتی طبقه شوترها را راهی به شهر نبود. این اندیشه نظام کاستی در دوران استعمار نیز بدون تغییر باقی ماند و نظام اجتماعی همچنان مبانی مشروعیت‌بخشی به نابرابری‌های طبقاتی در جامعه حاکم بود. نکته جالب توجه در این میان عدم امکان جابجایی بین طبقات در طول دوران حیات هر فرد بود و با توجه به فلسفه تناسخ، این نابرابری از طریق وعده ارتقا در زندگی بعدی توجیه می‌شد. نظام فضایی شهرها نیز متأثر از همین اندیشه، از لایه‌های مختلفی (شاید شبیه به آنچه در ایران کهن‌دژ، شارستان و ربض خوانده می‌شود) تشکیل می‌شد. گروه‌های پایین‌دست جامعه که به «نجس‌ها» معروف بودند، حتی پس از آنکه به درون شهرها راه یافتند فاقد مسکن بوده و در خیابان‌ها می‌زیستند. تصویر ۱ نمایشی از تضاد طبقاتی در بخش‌های مختلف شهر هندی را نشان می‌دهد که تا امروز نیز قابل مشاهده است.



### دوره دوم : مدرن

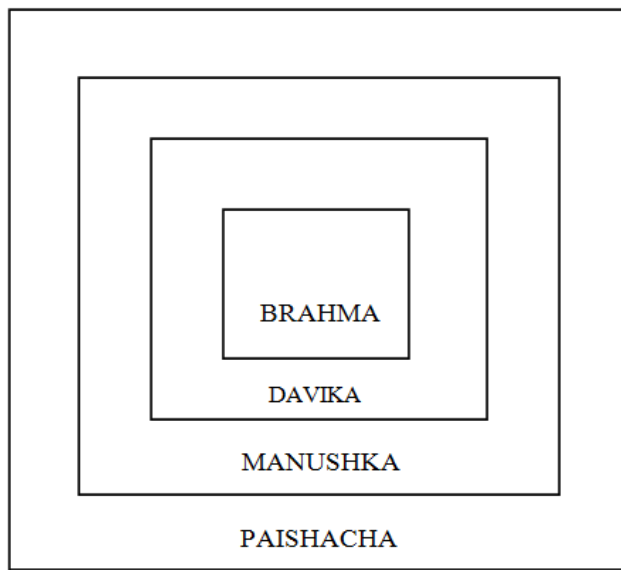
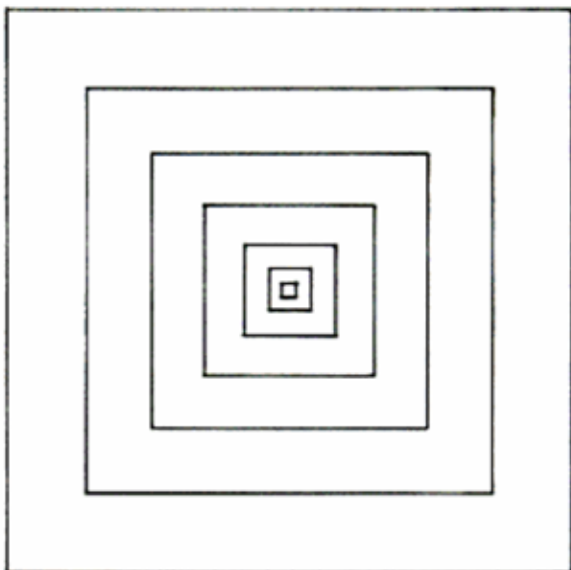
دوران دوم با استقلال هند در اواخر دهه ۱۹۴۰ آغاز می‌شود. نهضت گاندی، علی‌رغم آن که در ظاهر هیچ ستیزی با باورهای آیینی شهروندان نداشت، این اندیشه را که امکان تغییر سطح و سبک زندگی برای افراد وجود ندارد به طور ضمنی زیر سؤال برد (Chandra, 2005: 9). این اندیشه که بعدها با اندیشه مدرنیست‌ها تلفیق شد، در پی توجه به توده‌های شهروندان و تأمین نیازهای اولیه و حداقلی بود. اندیشه مدرن عدالت را در برآوردن «حداقلی» از «نیاز»‌های هر انسان تعریف می‌نماید و لذا استاندارد دیزاسیون مطرح می‌شود. کیفیت‌های فضایی و بصری شهر در این «حداقل»، جایی ندارد. زیرا هدف اصلی برآوردن نیازهای اولیه هرم «مازلو»<sup>۱۲</sup> برای همگان است. لذا فضای شهری از میان می‌رود، با وجود این، فرم در شهر تقویت

شهر دیگری در ایالت راجستان هندوستان است. هرچند شهر ادیپور منطقه بیلاقی راجها بوده است و این شهر از شهرهای تمیز هند به حساب می‌آید و افراد فقیر کمتری دارد، با این حال جدایی‌گزینی طبقات مرفه در این شهر حتی بیشتر از شهر جیپور مشهود است. به گونه‌ای که در سه دریاچه غربی این شهر، کاخ‌های بزرگی واقع شده‌اند که به صورت جزیره‌هایی از بافت شهری مجزا شده و محل سکونت ثروتمندان هستند. تصویر ۸ موقعیت این سه دریاچه و محل استقرار قصرها را نمایش می‌دهد.

بررسی این دو شهر نشان داد الگوی اندیشه هندیان، که به جدایی‌گزینی طبقات و کاست‌های اجتماعی معتقد است، چگونه ساختار شهر را از طریق ایجاد لایه‌های متحدالمرکز تحت تأثیر قرار داده است.

تصویر ۱. برج‌هایی در پس زاغه‌های شهر بمبئی، هند. عکس: مریم طالبی، آرشیو پژوهشکده نظر، ۱۳۹۱.





تصویر ۳. زون‌های متحدالمرکز به الگوی طراحی سازمان فضایی شهر هندو. مأخذ: Tillotson & Sachdev, 2003: 25

تصویر ۲. مکان‌گزینی طبقات مختلف در شهر هندو، مأخذ: راپاپورت، ۱۳۸۷: ۴۳۱.

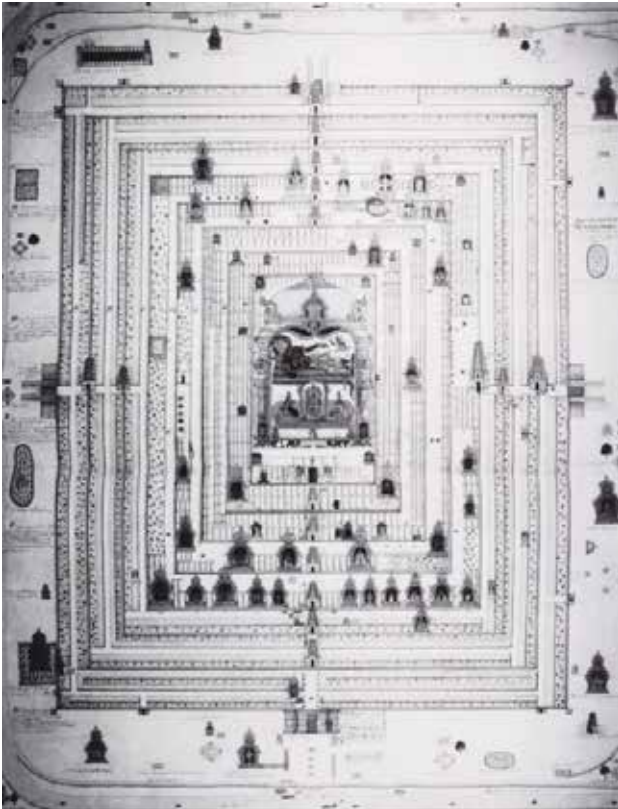
انتخاب شهری به عنوان پایتخت پنجاب هند در دستور کار قرار گرفت. در آغاز شهرهای موجود بررسی شد اما هرکدام به دلیلی پذیرفته نشد. سپس بر آن شدند تا شهر جدیدی را بسازند، زیرا این امر احتمالاً می‌توانست به ایجاد غرور ملی میان هندیان ایالت پنجاب کمک زیادی نماید. دولت مرکزی نیز از این تصمیم پشتیبانی کرد و نهر و این شهر را نماد آزادی هند و رهایی از سنت‌های گذشته و بیانگر سرنوشت آینده ملت خواند. به عنوان چشم‌انداز چنین شهری، طراحی یک شهر جدید مدرن در دستور کار قرار گرفت. به همین جهت، نهر و از لوکوربوزیه، معمار مدرن فرانسوی درخواست کرد تا به طراحی این شهر بپردازد.

مروری بر اندیشه‌های مدرنیستی در باب عدالت و به ویژه آرای لوکوربوزیه نشان می‌دهد نمود فضایی عدالت در شاندیگار به چه شکل بوده است. لوکوربوزیه در ابتدا طرفدار سیستم سرمایه‌داری بوده و اعتقاد داشته که دست نامرئی رقابت آزاد که «آدام اسمیت» آن را مطرح کرده بود، قادر خواهد بود کلیه مسایل جامعه را حل و فصل نماید. اما با سلسله اتفاقاتی از جمله شدت گرفتن آثار بحران بزرگ اقتصادی ۱۹۲۹، لوکوربوزیه به تدریج خود را به ضد آزادی نزدیک کرده و معتقد شد تنها دولتی که مسلح به دیکتاتوری باشد، می‌تواند در جامعه ایجاد هماهنگی کند و یک جامعه متنوع و آزاد نمی‌تواند خود را با خواست‌های دوره جدید تطبیق دهد.

می‌شود که نشان از قدرت سازوکارهای حکومتی است. گاندی معتقد است، فقیران جهان را، تولید انبوه کمک نمی‌کند؛ بلکه تولید به وسیله توده‌ها آن‌ها را یاری می‌دهد (بحرینی، ۱۳۷۸). با این حال، زمانی که نهر و به عنوان اولین رئیس جمهور هند پس از استقلال تصمیم به ایجاد غرور برای شهروندان استان پنجاب می‌گیرد، از «لوکوربوزیه» دعوت می‌نماید تا به تولید انبوه مسکن در این شهر بپردازد. اگر در دوره اول حاکمان به شهرها شکل می‌دادند، در این دوره حاکمان و تکنوکرات‌ها شکل شهر را تعیین می‌کردند. به منظور بررسی شکل شهر در این دوره، دو نمونه شاندیگار و گاندی‌نگر مورد بررسی قرار می‌گیرند.

#### • تجربه ایجاد دو شهر جدید شاندیگار و گاندی‌نگر

اولین شهر مورد بررسی در این مطالعه برای بررسی نمود فضایی تعبیر مدرن از عدالت، شهر «شاندیگار» است. «شاندیگار» یا «چندیگر»، شهر مدرن شطرنجی است که به دستور «نهر و» به دلیل بحران اجتماعی که پس از جدایی پاکستان از هند به وجود آمده بود، ساخته شد. پس از امضای موافقت‌نامه سال ۱۹۴۷ میان هند و پاکستان، ایالت پنجاب بین دو کشور تقسیم شد و لاهور پایتخت این ایالت در پاکستان باختری قرار گرفت. دولت پنجاب شرقی با مسئله تنظیم امور ایالت و رسیدگی به وضع پناهندگان روبرو شد و



تصویر ۵. الگوی زون‌های متحدالمرکز در نگاره‌های هندی در ترسیم معبد راجانتا در سرینگام. مأخذ:

Tillotson & Sachdev, 2003: 28

شهر شاندیگار از ۵۶ بخش (Sector) تشکیل شده که در قالب بلوک‌های شهری در شبکه‌ای عمودبهرم از معابر استقرار یافته‌اند (تصویر ۹). در این میان، مهم‌ترین بخش، بخش ۱۷ است که در حقیقت مرکز شهر و شاید تنها فضای شهری شاندیگار به حساب می‌آید (هرچند امروزه الحاقاتی نسبت به طرح اولیه ایجاد شده که فضاهای جمعی جدیدی را به شاندیگار افزوده است).

مشاهدات میدانی کارکردهای ویژه‌ای را در بخش ۱۷ نمایش می‌دهد. یکی از جالب‌ترین کارکردها که در تصویر ۱۰ نشان داده شده اعتراض کارگران است. موضوع جالب توجه این است که علی‌رغم اینکه در طراحی شاندیگار تلاش شده به صورت آمرانه به تأمین حداقل‌ها برای همه و حذف طبقات اقدام شود، با این وجود امروزه کارگران ساکن در این شهر نسبت به نابرابری‌های موجود اعتراض دارند.

دومین شهر مورد بررسی در این دوره، شهر «گاندی‌نگر»



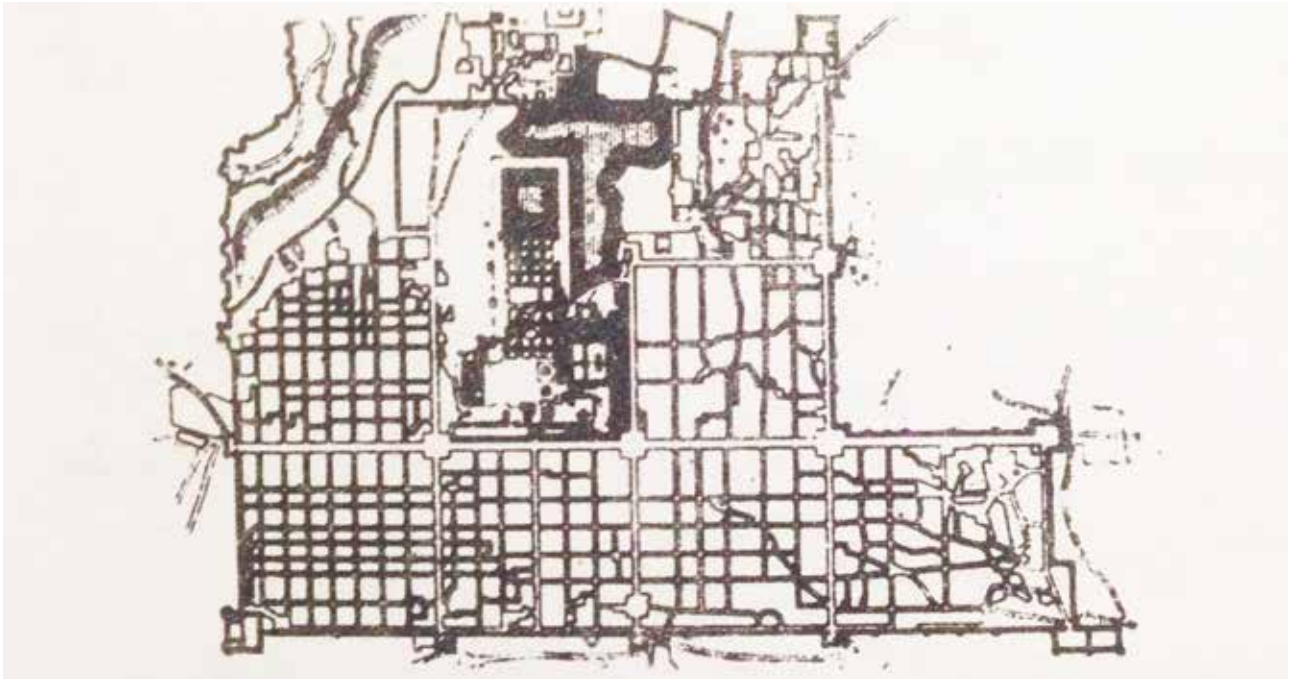
تصویر ۴. نقشه شهر سنگنر (در ۴۰ کیلومتری جیپور) در قرن ۱۸. مأخذ:  
Tillotson & Sachdev, 2003: 29

مسافرت لوکوربوزیه به آمریکا و مشاهده فقرا در راهروهای زیرزمینی نیویورک، لوکوربوزیه را به این اعتقاد کشاند که یک شهر انسانی باید بدون طبقه باشد. در طراحی شهر نباید به غنی و فقیر فکر کرد، بلکه باید به انسان فکر کرد. وی مقیاس انسانی را «درست به اندازه نیاز انسان، نه بیشتر و نه کمتر» تعریف می‌کند (بحرینی، ۱۳۷۸: ۲۸).

با روی‌گردانی لوکوربوزیه از نظام سرمایه‌داری، وی به دستی مرئی (در مقابل نظریه دست نامرئی بازار) اعتقاد یافت که رفع‌کننده نیاز طبقات فرودست خواهد بود. بنابراین وی به حضور پررنگ دولت و معمار برای برنامه‌ریزی و ساخت مجتمع‌های سکونتی باور دارد. لوکوربوزیه، همچون دیگر معماران مدرن، به استانداردگرایی روی می‌آورد و از آن‌جا که در پی تأمین حداقل‌ها برای همگان است، سعی در اکتفا به کاربری‌هایی دارد که «کارکرد» مشخص دارند و با این استدلال، خیابان فاقد مفهوم فضای شهری می‌شود و خانه کارکردی صرفاً خوابگاهی می‌یابد.

مشاهدات میدانی در خصوص شهر شاندیگار نشان می‌داد که این شهر برخلاف الگوی سنتی شهرسازی در هند، شهری با خیابان‌های وسیع است. بخش‌های مختلف این شهر فاقد نظام طبقاتی مشخص هستند و در طراحی آن سعی شده با اتکا به شبکه شطرنجی، همه بخش‌های شهر از شرایط مساوی و مشابهی برخوردار باشند. اکتفا به حداقل‌ها برای همه موجب شده تا خانه‌های مسکونی نتوانند کارکرد مورد نظر شهروندان هندی را برآورده سازند. از سوی دیگر، مقیاس بزرگ به کار گرفته شده در ساختمان‌هایی بتونی نظیر آن‌چه در دادگاه عالی شاندیگار مشاهده می‌شود، حس هراس را ایجاد می‌کند.





تصویر ۶. نقشه کلی شهر جیپور، مأخذ: موریس، ۱۳۸۷: ۴۰۴.

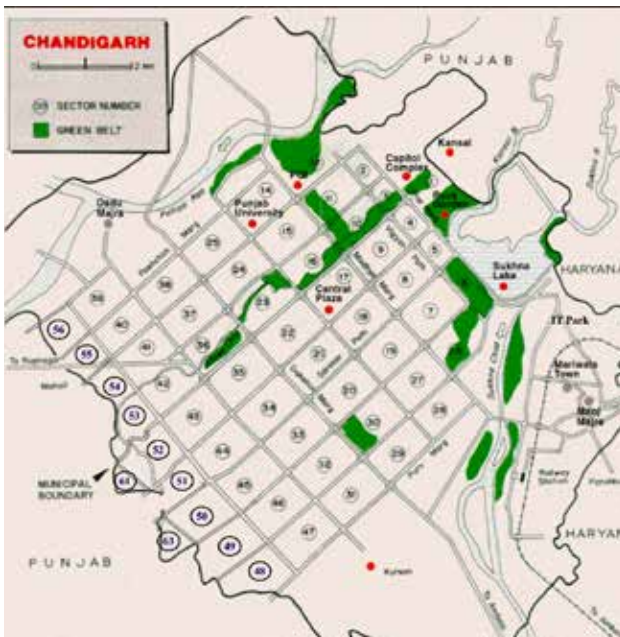
با فاصله از لبه خیابان ساخته شده بودند و زندگی خیابانی برخلاف شهرهای سنتی هند، در این شهر چندان خودنمایی نمی‌کرد؛ هرچند زاغه‌نشینی به صورت پراکنده در این شهر دیده می‌شد، پدیده‌ای که گویا در همه شهرهای هندوستان امری اجتناب‌ناپذیر است. تصویر ۱۱ ایده طراحان شهر گاندی‌نگر را نشان می‌دهد. براساس این نقشه می‌توان گفت شبکه شطرنجی همانند شاندیگار مورفولوژی بافت شهری را

است. گاندی‌نگر که به عنوان مرکز ایالت گجرات توسط شاگردان هندی لوکوربوزیه، «اچ.کی. موادا<sup>۱۵</sup>» و «پراکاش ام. اپت<sup>۱۶</sup>» ساخته شده، نیز نمونه‌ای کوچک اما مشابه از شاندیگار بود (فراهانی‌فرد و شیردست، ۱۳۹۱). مشاهدات میدانی از گاندی‌نگر به صورت شهری بود که صرف‌نظر از خیابان‌ها و میدان‌های منظم و طراحی شده‌اش، بیشتر به جنگلی خالی از سکنه شباهت داشت. خانه‌ها و ساختمان‌های اداری و تجاری



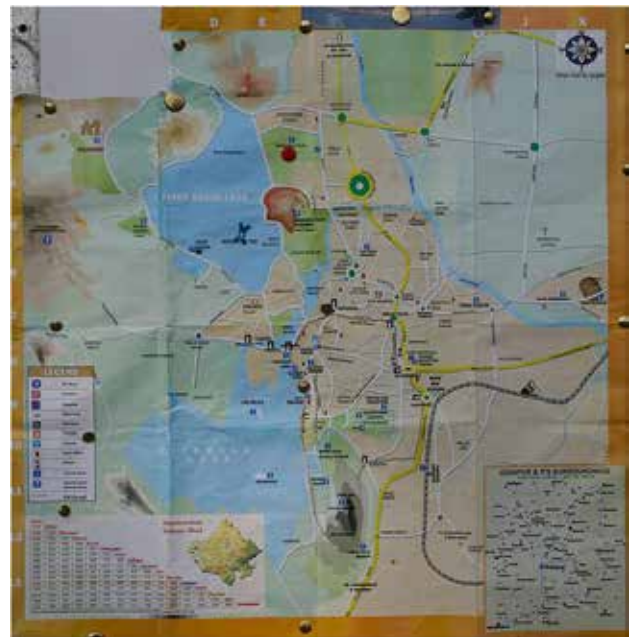
تصویر ۷. شبکه شطرنجی بافت شهری جیپور، مأخذ: ۲۰۱۲، www.maps.google.com





تصویر ۹. نقشه شبکه شطرنجی شهر شاندیگار، هند. مأخذ:

Chandigarh Administration, 2012: [http://sampark.chd.nic.in/images/city\\_map.gif](http://sampark.chd.nic.in/images/city_map.gif)



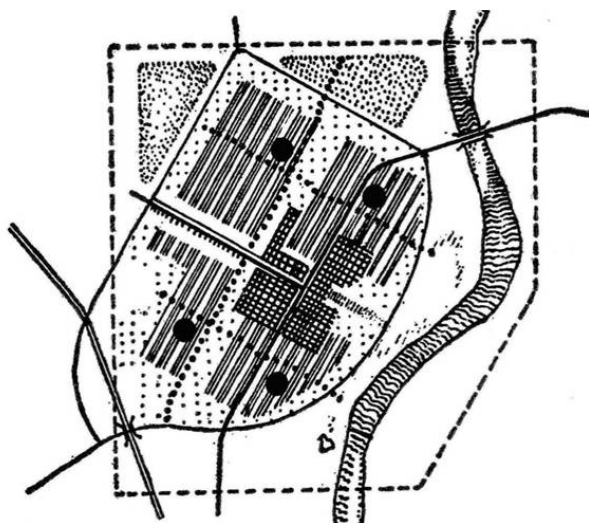
تصویر ۸. نقشه شهر ادیپور و نحوه استقرار جزیره‌های محل کاخ‌های ممولان، مأخذ: <http://images.travelpod.com/users/melindaoba/1.1329416120.plan-d-udaipur.jpg>

وی در مجموعه‌اندیشه‌های خود، عدالت را عمدتاً به معنی برابری قابلیت‌ها تعریف می‌کند. براساس دیدگاه وی، مکاتب اقتصادی عموماً در تعریف عدالت به میزان درآمدها توجه کرده‌اند. شاخص‌هایی نظیر خط فقر خانوار نشان‌دهنده‌اتکای تعاریف پیشین بر درآمد بوده‌اند. اما با توجه به اینکه انسان‌ها قابلیت یکسانی ندارند، درآمدهای برابر منجر به مطلوبیت برابر نمی‌شود. به عنوان مثال، یک فرد معلول نیازهای زیادی دارد تا به قابلیت مساوی با فرد عادی برسد. در نتیجه متغیر اصلی پیشنهادی وی در تعریف عدالت، مبتنی بر افزایش قابلیت‌های افراد است (سن، ۱۳۹۰؛ سن، ۱۳۷۹ و سن، ۱۳۸۸). این تعبیر در حوزه مطالعات شهری منجر به توجه بیشتر به مفهوم توانمندسازی شد. توانمندسازی زاغه‌نشینان و گروه‌های محروم در شهر، سیاستی است که امروزه به طور جدی در شهرهای هند در دستور کار قرار گرفته است. در این دوره حاکمان، تکنوکرات‌ها و خود شهروندان به اتفاق بر سر یک میز می‌نشینند و از طریق رویکردی مشارکتی به برنامه‌ریزی توسعه شهری می‌پردازند. به منظور بررسی تغییرات سازمان فضایی شهرها در اثر این رویکرد، نمونه موردی احمدآباد برای مطالعه انتخاب شده است.

شکل می‌دهد. با این وجود در این شهر تعداد مراکز شهری بیشتر و غیرمتمرکزتر از شاندیگار پیش‌بینی شده‌اند (چهار مرکز به جای یک مرکز). در هر حال آنچه در این دو نمونه تشابه دارد، توجه حاکمان به اندیشه‌های تکنوکرات‌ها در ساخت شهر است. در این دوره اگرچه برخلاف دوران پیشین، شهر تنها از سوی حاکمان ساخته نمی‌شود، اما هنوز نمی‌توان شاهد حضور مردم در فرآیندی مشارکتی در طراحی شهری بود.

### دوره سوم : پسامدرن

دوره سوم دوره پسامدرن است که به ویژه متأثر از اندیشه‌های اندیشمند هندی، «آمارتیا سن»، برنده‌ جایزه نوبل اقتصاد در سال ۱۹۹۸ بوده است. اندیشه‌های وی در میان سیاست‌گزاران امروزین جامعه هند جایگاه ویژه‌ای دارد. به عنوان مثال رئیس پارلمان هند در سال ۲۰۰۸ از وی دعوت کرده است که درباره مقتضیات عدالت در آن مجلس سخنرانی کند (سن، ۱۳۹۰: ۳۲). آمارتیا سن اندیشه‌های خود در باب عدالت را در تألیفات متعددی تبیین کرده است که در این مقاله به طور اخص بر سه کتاب او تحت عناوین «اندیشه عدالت»، «برابری و آزادی» و «هویت و خشونت : توهم تقدیر» تمرکز می‌شود.



#### Gandhinagar -Town concept

-  Residential
-  Industries
-  Work centre
-  Recreational
-  Motor roads
-  Pedestrian & cycle ways
-  District centres

تصویر ۱۱. نقشه طراح کلی شهر گاندینگر در زمان طراحی توسط مواد و اپت. مأخذ:  
<http://www.planetizen.com/node/49410> Apte, 2011

زیرساخت‌ها و تأمین بودجهٔ احداث به صورت پرداخت وام به ساکنین، مراتب را جهت عملیات احداث تسهیل نموده است (کیمیایی، ۱۳۹۴). تصویر ۱۲ یکی از گردهمایی‌های آموزش شهروندان و توانمندسازی آنان در احمدآباد را نشان می‌دهد. راهی که احمدآباد در قالب برنامه شبکهٔ زاغه‌ها پیگیری می‌کند متکی بر فرآیندی اجتماعی است که با بهره‌گرفتن از توان و انگیزهٔ سازمان‌های مردم‌نهاد در آموزش ساکنین و بالا بردن مهارت آنان فرصت‌های مختلفی را در اختیار آنان قرار داده تا با قرارگیری در فرآیندی تدریجی موجب ارتقای وضعیت سکونتگاه‌ها و کیفیت زندگی آنها شود.

بنابراین این الگو مبتنی بر بهره‌گیری از رهیافت کاهش فقر و کارآفرینی در توانمندسازی به صورت توأمان بوده است. در چارچوب این رهیافت‌ها استفاده از منابع مالی گروه‌های محلی و کمک به افزایش آنها از طریق افزایش سطح مهارت‌ها مقدم بر دریافت هرگونه اعتبار و یا کمک مالی خارجی است (خلیجی، ۱۳۹۴). بنابراین مشاهده می‌شود که اقدامات اخیر در احمدآباد مبتنی بر دو اصل اساسی آموزش و مشارکت است.



تصویر ۱۰. تظاهرات کارگری در بخش ۱۷ شاندیگار که نمایش‌دهندهٔ نابرابری‌های موجود است. عکس: محمد صالح شکوهی، آرشیو پژوهشکده نظر، ۱۳۹۱.

#### • توانمندسازی و اسکان مجدد زاغه‌نشینان در شهر احمدآباد

کشور هند از یک ساختار سه سطحی برای اداره امور این دموکراسی بزرگ بهره می‌گیرد. این تقسیم سه‌گانه که شامل سه رده دولت مرکزی، ایالت و حکومت محلی می‌شود، از سال ۱۹۹۰ در پی تحولات سیاسی ایجاد شده در هندوستان بکار گرفته شده است. در آغاز این تحولات به دلیل مشخص نبودن روابط مالی، مسئولیت هر یک از این اجزای سه‌گانه و دولت‌های محلی در اداره شهرها خصوصاً تأمین خدمات و زیرساخت‌های شهری با ناکامی‌هایی مواجه می‌شود. این فضای مبهم اوایل دهه ۹۰ شهرهای در حال پیشرفت بزرگ هند مانند احمدآباد را با مشکلات متعددی مواجه ساخت. و منجر به افزایش وسعت بافت‌های مسئله‌دار شهری در احمدآباد شد (خلیجی، ۱۳۹۴). این امر با توجه به رویکردهای مشارکتی جدید منجر به شکل‌گیری سازمان‌هایی مردم‌نهاد در جهت توانمندسازی شهروندان شد.

مجموعهٔ «پاریوارتانیکی» از نمونه‌های موفق اجرا شده توسط سازمان مردمی انجمن زنان خانه‌ساز ماهیلا در شهر احمدآباد است، این سازمان غیردولتی با آموزش مهارت‌های حرفه‌ای و فنی به زنان کارگر در ساختمان و تجمیع نیروی کار ایشان به منظور ساخت فضاهای زندگی برای خود و همچنین هم‌راستا کردن فعالیت‌های بخش دولتی در این راستا به ساماندهی مجموعهٔ زاغه‌نشین پاریوارتان فایق آمده است. احداث خانه‌ها برای هر خانواده به میزان مساحت تصرف شده آلونک قبلی و بر پایهٔ تأمین محل زندگی، آشپزخانه و توالت برای هر خانه در نظر گرفته شده است و دولت با ایجاد

## نتیجه‌گیری

مقایسه سه تلقی از مفهوم عدالت در جامعه هند و نموده‌های فضایی آن در شهر را نشان می‌دهد. این روند در دوران کنونی خود، شهرها را از نظر فضایی به سوی کاهش زاغه‌نشینی و از نظر مدیریتی به سوی مدیریت مشارکتی سوق داده است.

جمع‌بندی مطالعه نشان می‌دهد تعریف عدالت در جامعه هندی در سه مرحله از «عدالت به معنای نابرابری کاستی»، به «عدالت به معنای تأمین حداقل‌ها برای توده‌ها» و سپس به «عدالت به معنای افزایش قابلیت‌ها» تغییر کرده است. جدول ۱ امکان



تصویر ۱۲. آموزش‌های توانمندسازی برای اسکان مجدد زاغه‌نشینان احمدآباد، عکس: امید کیمیایی، ۱۳۹۱.

جدول ۱. مقایسه سه تلقی از مفهوم و نموده‌های فضایی آن در جامعه هند. مأخذ: نگارنده.

دوره	تعریف عدالت	عوامل اصلی شکل‌دهنده شهر	نموده‌های فضایی	نمونه‌های مورد بررسی
اول: پیشامدرن	عدالت به معنای نابرابری کاستی	حاکمان	شهر شطرنجی چند لایه	جیبپور، ادیپور
دوم: مدرن	عدالت به معنای تأمین حداقل‌ها برای توده‌ها	حاکمان و تکنوکرات‌ها	مجتمع‌های عظیم سکونتی	شاندیگار، گاندی‌نگر
سوم: پسامدرن	عدالت به معنای افزایش قابلیت‌ها	حاکمان، تکنوکرات‌ها و شهروندان	توانمندسازی و اسکان مجدد	احمدآباد

پی‌نوشت

۱. هرچند بلافاصله این تردید را مطرح می‌کند که توزیع عادلانه جغرافیایی، زوماً به توزیع عادلانه در سطح افراد منجر نمی‌شود.
۲. territorial social justice
۳. Post-Millennium India
۴. Rig Veda
۵. Varnas
۶. the primal man – Purush
۷. Brahma
۸. Brahmins
۹. Kshatrias
۱۰. Vaishias
۱۱. Sudras



۱۲. untouchability

۱۳. همانگونه که مشاهده می‌شود این روایت اندکی با نظریه مورد اشاره «پروٹی» که پیش از آن به آن پرداخته شد، متفاوت است.  
۱۴. هرمی مبتنی بر نظریات «آبراهام مازلو» که سلسله مراتبی از نیازهای بشری را تبیین می‌نماید. این سلسله مراتب در سطوح پایه‌ای به مواردی نظیر نیازهای فیزیولوژیک و

فهرست منابع

- بحرینی، سیدحسین. (۱۳۷۸). *تجدد، فراتجد و پس از آن در شهرسازی*، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بختیاری، صادق. (۱۳۸۰). عدالت و توسعه از دیدگاه امام علی علیه السلام، اندیشه حوزه، ۷ (۳۰).
- تلیس، رابرت بی. (۱۳۸۵). *فلسفه راولز*، ترجمه: خشایار دیهیمی، تهران: طرح نو.
- خلیجی، کیوان. (در دست انتشار). راه‌حل هند برای توانمند سازی: پول گرم یا پول سرد: بررسی الگوی تأمین منابع مالی در توانمند سازی اقتصادی ساکنین بافت‌ها مسئله‌دار شهری هند، برگرفته از طرح پژوهشی تأثیرات متقابل هنر ایران و هند، تهران: پژوهشکده نظر.
- راپاپورت، امس. (۱۳۸۷). منشأ فرهنگی مجتمع‌های زیستی، در تاریخ شکل شهر: تا انقلاب صنعتی، ترجمه: راضیه رضازاده، تهران: دانشگاه علم و صنعت.
- راولز، جان. (۱۳۷۶). *عدالت و انصاف و تصمیم‌گیری عقیدتی*، ترجمه: مصطفی ملکیان، نقد و نظر، (۲۰۳).
- راولز، جان. (۱۳۸۵). *عدالت به مثابه انصاف*، یک بازگویی، ترجمه: عرفان ثابتی، تهران: نشر ققنوس.
- سن، آرماتیا. (۱۳۷۹). *برابری و آزادی*، مجموعه فلسفه و اقتصاد سیاسی، ترجمه: حسن فشارکی، تهران: نشر و پژوهش شیرازه.
- سن، آرماتیا. (۱۳۸۸). *هویت و خشونت: توهم تقدیر*، ترجمه: فریدون مجلسی، تهران: انتشارات آشیان.
- سن، آرماتیا. (۱۳۹۰). *اندیشه عدالت*، ترجمه: وحید محمودی و هرمز همایون‌پور، تهران: انتشارات کندوکاو و انتشارات کتاب روشن.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله و دغاقله، عقیل. (۱۳۸۷). مقایسه نگرش شهروندان معمولی و نخبگان جامعه در مورد عدالت اجتماعی، *نامه علوم اجتماعی*، (۳۴): ۴۸ - ۲۳.
- طبیبیان، منوچهر. شکوهی، محمدصالح و ارباب، پارسا. (۱۳۸۹). ارزیابی عدالت اجتماعی در طرح منظر شهری محله خوبخت منطقه ۱۵، *آرمانشهر*، ۳ (۵): ۱۲۲ - ۱۱۱.
- فراهانی‌فرد، عطیه و شیردست، آرزو. (۱۳۹۱). طراحی منظر شهرهای نوین‌پدید هند؛ فرصت‌ها و تهدیدها، قابل دسترس در: <http://nazaronline.ir/fa/pages/?cid=1780> (۹۴/۳/۲۰)
- فیتزپتریک، تونی. (۱۳۸۳). *نظریه رفاه (سیاست اجتماعی چیست؟)*، چاپ دوم، ترجمه: هرمز همایون‌پور، تهران: انتشارات گام نو و مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- کیمیایی، امید. (در دست انتشار). رویکرد مشارکت در اسکان زاغه‌نشینان در شهرهای هند، برگرفته از طرح پژوهشی تأثیرات متقابل هنر ایران و هند، تهران: پژوهشکده نظر.
- لاک، جان. (۱۳۷۷). *نامه‌ای در باب تساهل*، ترجمه: شیرزاد گلشاهی، تهران: نشر نی.
- لشکری، علیرضا. (۱۳۸۸). حق، عدالت و جامعه، *جستارهای اقتصادی*، (۱۲): ۵۷ - ۳۱.
- لوفور، هانری. (۱۳۸۹). *تولید فضا*، ترجمه: محمود عبدالله‌زاده و علی میرآخوری، تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
- موریس، جیمز. (۱۳۸۷). *تاریخ شکل شهر تا انقلاب صنعتی*، ترجمه: راضیه رضازاده، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.
- میراحمدی، منصور. (۱۳۸۵). *عدالت اجتماعی*، مجله معارف، (۴۳).
- هاروی، دیوید. (۱۳۷۶). *عدالت اجتماعی و شهر*، چاپ اول، ترجمه: فرخ حسامیان و دیگران، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری (وابسته به شهرداری تهران).
- اعظمی، احمد. (۱۳۸۶). *جان راولز: از نظریه عدالت تا لیبرالیسم سیاسی*، قم: بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).
- یعقوبی، داریوش. (۱۳۸۸). *درک ایرانیان از عدالت*، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- Burkett, P. (2006). *Marxism and Ecological Economics: toward a red and green political economy*. London: Brill Boston.
- Campbell, H. & Marshall, R. (2006). Towards justice in planning: A reappraisal, *European Planning Studies*, 14 (2): 239 – 252.
- Chakravorty, P.M. (1970). *Cast system in India*. India: Circa
- Chandra, R. & Mittra, S. (2003). *Caste system in India*, New Delhi: Commonwealth.
- Chandra, R. (2005). *Identity and Genesis of Caste System in India*. New Delhi: Kalpaz publications.
- Fainstein, S. S. (2010). *The Just City*, New York: Cornell University Press.
- Gillette, H. (1995). Between Justice & Beauty: Race, Planning, and the Failure of Urban Policy in Washington, D.C. Pennsylvania: University of Pennsylvania Press.
- Marcuse, P. (2009). Searching for the just city: debates in urban theory and practice. London & New York: Routledge.
- Maslow, A.H. (1943). A theory of human motivation. *Psychological Review*. 50(4): 370- 396.
- Naronakar, A. R. (2003). Untouchability and Caste System in India. New Delhi: Anmol Pub.
- Pandey, R. (1986). The caste system in India: myth and reality. New Delhi: Criterion Publications.
- Pirie, G. H. (1983). On spatial justice, *Environment and Planning*. 15(4): 465 – 473.
- Pruthi, P.K. (2004). Indian caste system, Culture and civilization series. New Delhi: Discovery Publishing House.
- Rao, R. S. (1989). Caste system in India: myth and reality. India Publishers and Distributors.
- Rao, C. H. (2003). Indian caste system: a study, Asian educational. New Delhi: Services publications
- Rawls, J. (1971). A Theory of Justice. Cambridge: The Belknap Press of Harvard University Press.
- Singh, E. (2009). Caste system in India: A historical perspective. New Delhi: Kalpaz publications.
- Soja, E.W. (2010). Seeking Spatial Justice. (Globalization and Community), USA: University of Minnesota Press.
- Tillotson, V. & Sachdev, G. (2003). Building Jaipur: The Making of an Indian City, Architecture Asian Studies History. London: Reaktion books LTD.

امنیت معطوف است و در سطوح بالای هرم، مواردی نظیر معنویت، اخلاق و خلاقیت را شامل می‌شود (Maslow, 1943).

۱۵. H.K. Mewada

۱۶. Prakash M. Apte